

# پرورش عقل

سید محمد باقر حجتی

این آیه آدمی را از پیروی اموری که کاملاً آنها را بررسی نکرده، و در باره آنها کسب یقین ننموده است منع مینماید، تا کوششهای او در کسب معارف تباه نگردد. سپس در همین آیه وسائل و اسباب کسب علم و یقین ارائه داده

شده:

"إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ..." قرآن انسان را به مهمترین اسباب علم و یقین - که حواس ظاهری

در تعلیمات اسلامی برای پرورش عقل، اسلوبهای خاصی رعایت شده است: اولاً " باید گفت: خداوند در قرآن مجید میفرماید:

"وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عِنْدَهُ مُسْتَوْلاً" (۱)

و پیروی مکن از آنچه به آن علم و یقین نداری زیرا گوش و چشم دل (عقل) همه آنها مسئول اداء وظائف خود می باشند.

نماید و در نتیجه تاکنون توانسته است صورتهای جدیدی از ماده را بپردازد. بخصوص در اعصار اخیر بعثت اختراعات و اکتشافهای شگفت‌انگیز مادی، انسان بیش از پیش به عقل خود تکیه کرده است و البته میدانیم که کشفهای علمی و اختراعات نمیتواند به حیات و زندگانی بشر استحکام بخشد، بلکه باید طرز استفاده از آنها را بررسی کرد، که آیا در طریق خیر یا شر، برای صلح یا جنگ از آنها بهره‌برداری می‌شود؟

دین اسلام یک، دین فطری است و تمام قوی و نیروهای انسانی را محترم شمرده و به میزان صحیح و دور از افراط و تفریط، آنها را پرورش میدهد. بهمین جهت نیروی عقل را با ارزش معرفی کرده و آنرا در راه خیر و نیکی تربیت می‌کند.

اسلام تربیت عقل را با تعیین میدان تفکر و عرصه‌ای که عقل میتواند در آن جولان کند آغاز می‌نماید، لذا نیروی عقل را از هدر رفتن در مطالعهٔ اموری که بدانها راه ندارد، مانند مقیبات (اموریکه در دسترس درک عقل بشر نیست) مصون نگاه میدارد. ولی او را از توجه و آشنائی به آنها محروم ننموده است بلکه به اندازه‌ای که ذهن بشر بدانها تمایل پیدا کند، او را بهره‌مند ساخته است.

سیس نیروی عقل را از طریق استدلال و کشف حقیقت، تمرین میدهد و برای این موضوع از دو وسیله استفاده می‌نماید.

اولاً: "روشهای تفکر را بدست می‌دهد.

ثانیاً: "تدبیر در قوانین طبیعت و دقیق بودن و بیوسنگی آنها را با یکدیگر، گوشزد مینماید. برای استفاده از وسیلهٔ اول، در نخستین

است - رهبری مینماید، و این اسباب را در اداء وظیفه مسئول می‌شناسد، تا از آنها برای کسب علم بهره‌برداری نماید، و به اوام و مذنوبات اتکا نکند. انسان بوسیلهٔ حس‌شنوائی معارف دیگران را به خود منتقل ساخته، و با قوهٔ بینائی عوالم متنوع محیط را درک میکند و با عقل و دل میان حق و باطل و مفید و مضر امتیاز برقرار میسازد. بنابراین از این آیه طرز تفکر صحیح بدست می‌آید تا انسان در صدور احکام از هرگونه اشتباهی مصون باشد.

اسلام برای ترغیب به تفکر صحیح و قطعی پیروی از گمان را بیهوده و بی ارزش معرفی کرده است:

"وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ" (۲)

آنان جز از گمان از چیزی دیگر پیروی نمیکنند و گمان نسبت به حق بهیچوجه انسانرا بی‌نیاز نمیسازد و خداوند به آنچه عمل میکنند اناست در قرآن کریم و همچنین در احادیث به نمونه‌های فراوانی برخورد میکنیم که بشر را به تفکر و تامل در امور امر کرده، و از تقلید و پیرویهای کورکورانه نهی مینماید، و ما نژاثر این جمله‌ها را در قرآن بسیار مبینیم که می‌گوید:

"أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا...؟"

"أَوَلَمْ يَنْظُرُوا...؟"

"فَلْيَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا..."

در بحث تربیت عقل از ذکر این نکته ناگزیریم که بشر به عللی شیفته و فریفتهٔ عقل خود گشته است. چون می‌بیند به وسیلهٔ همین عقل میتواند اشیاء را از هم تمیز داده، و خصوصیات آنها را درک، و فوائد آنها را استنباط

عادت میدهد، چون قوانین طبیعت با دقت و نظم شگفت آوری جریان دارد. اسلام عقل را طوری پرورش میدهد که به دقت نظرو انضباط عادت نماید. گردش زمین و خورشید و افلاک با ساعت و دقیقه و ثانیه و ثالثه و ... ضبط شدنی نیست بلکه با سرعت شعاعی گردش میکند که در یک ثانیه ۱۸۶ هزار میل را طی می‌نماید. تفکر در اینگونه دقت و باریک‌بینی عقل را به دقیق بودن عادت میدهد چون از هر اختلال پیوستگی و نظم آن بهم می‌خورد. و عقل در برابر این دقت و پیوستگی، افکار خود را ضبط و پیوستگی آنها را حفظ کند، و به کلیاتی میرسد که جزئیات را بهم مربوط می‌سازد، چنانکه این دقت در برنامه طبیعت نیز دیده می‌شود.

طرز تفکرات علمی مسلمین به این نوع دقت و انضباط، سرشته شده بود. و علیرغم کمی آلات و ابزار علمی به کشفهای بزرگی نائل شدند که برای ما کوشش آنها را در تحصیل علم و درستی و دقت در تفکر را اثبات مینماید.

میزان دقت علمی مسلمین طوری است که نسبت به زمان آنها - از لحاظ قلت وسائل علمی آن زمان - خیال انگیز بنظر میرسد؛ کاوشهای علمی بتانی که با دقت گردش زمین را بدور خورشید تعیین نمود و دقیقاً "بحساب خسوف و کسوف و امثال آن رسیدگی کرد - شاهد گویائی است که چگونه مسلمین تحت تأثیر روشهای تربیتی اسلامی قرار گرفته بودند.

اسلام عقل را به تأمل در حکمت و تدبیرهای الهی متوجه می‌سازد، ولی مانند فلسفه نمی‌خواهد صرفاً "ذهنیاتی برای انسان بپردازد این تأمل و مطالعه حکمت و تدبیرهای الهی مقصود لذاته نیست که تنها از آن، فلسفهای

مرحله، تربیت عقل را از طریق خالی کردن ذهن از هرگونه مقررات گذشته - که بر اساس قطع و یقین پایه گذاری نشده است بلکه مبتنی بر تقلید و گمان است - شروع میکند. خداوند در مقام تفسیح مردمی که در تفکر مقلد دیگرانند

" قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آفَغَيْنَا عَلَيْهِمْ آبَائِنَا أَوْ لَوْ كَانُوا آبَائَهُمْ لَآيَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ " (۳)

گفتند ما پیروی میکنیم از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم مگر نه پدران آنها چیزی نمی فهمیدند و هدایت نشدند.

و چنانکه قبلاً "یادآوری گردید: پیروی از گمان نیز در اسلام نکوهش شده است: "أَنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ... " و نیز چنانکه دیدیم قبل از هر گونه اعتقاد و پیروی از هر امری، اسلام، عقل بشر را به تفحص و جستجو و کاوش در امور و یقین به آنها متوجه می‌سازد:

" وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا " (۴)

از چیزی که بدان علم نداری پیروی مکن زیرا گوش و چشم و دل همگی مسئولند.

در این آیه خداوند اهمیت مسئولیت قوای حسی و عقلی را جداگانه گوشزد کرده است، به این معنی که هر کدام از این قوا دارای مسئولیت جداگانهای هستند. وبعد با جمله "كُلُّ أُولَئِكَ..." مسئولیت مشترک آنها را یادآوری مینماید. بنابراین مبنای تربیتی، انسان نمیتواند امور را بدون تأمل بپذیرد، بلکه تمامی قوای او مسئول هستند.

برای بهره برداری از وسیله دوم (تدبیر در قوانین طبیعت) عقل انسانی را در سایه مطالعه در قوانین طبیعت به دقت و نظم

زمین و انسان و زندگی - اهتمام بلینی دارد و تدبیر در این امر را جزئی از عقیده معرفی

می‌کند: **”إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ: الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ فِيهَا مَا وُقُوعًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ“** (۸)

در آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز، هر آینه نشانه‌هایی است برای صاحبان عقل؛ آنانکه در حال قیام و قعود و بر پهلو بیاد خدا هستند، و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند، پروردگارا اینها را ببهوده نیافریدی، منزهی تو، پس ما را از عذاب آتش نگاهدار.

- ۱- سوره اسراء، آیه ۳۸
- ۲- سوره یونس، آیه ۳۷
- ۳- سوره بقره، آیه ۱۷۰
- ۴- سوره اسراء، آیه ۳۶
- ۵- سوره عنکبوت، آیه ۴۴
- ۶- سوره دخان، آیه ۳۸
- ۷- سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵
- ۸- سوره آل عمران، آیه ۱۹۰، ۱۹۱



بوجود آید، بلکه منظور، اصلاح قلب بشر است تا زندگی را بر اساس حق و عدالت - که پایه و مبنای طبیعت و حیات است - اقامه نماید. قرآن کریم بارها این حقیقت را متذکر شده

است: **”خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ“** ۵

خداوند، آسمانها و زمین را به حق آفرید، در این امر نشانه‌هایی برای مؤمنان وجود دارد. **”وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ“** (۶)

ما آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است ببهوده نیافریدیم.

و امثال آن که به ما میفهماند جهان و انسان بطور تصادف و بیهوده آفریده نشده است: **”أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنكُمُ الْإِنْسَانُ لِرَاجِعُونَ“** (۷)

آیا میپندارید که ما شما را عبث و بیهوده خلق کردیم؟! و شما به سوی ما باز نمی‌گردید؟! اینگونه روش تربیتی است که توجه انسان را به این نکات معطوف میسازد که جهان و انسان از روز آفرینش تا هنگام بازگشت قائم به حق و در هر گامی با حق هماهنگ است، و هیچگونه عبث و یا انحرافی در آفرینش وجود ندارد. این حقیقت در بناء تفکر اسلامی مؤثر بوده است. در چنین فضای تربیتی آکنده از حق و عدالت، اسلام بشر را تربیت میکند، و در شعور وی احساس به حق را عمیق میسازد، تا به صورت عقیده راسخی درآید. بهمین جهت اسلام برای توجه بشر به حق - در آسمان و